



سرمقاله/ کنگره جهانی اهل بیت و مجمع التقرب بين المذاهب الاسلامية

پدیدآورده (ها) : واعظ زاده خراسانی، محمد
علوم قرآن و حدیث :: مشکوة :: تابستان 1369 - شماره 27 (ISC)
از 1 تا 23
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/58741>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 15/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه قوانین و مقررات استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



سرمقال

کنگره چه اهل بیت
؛

مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی

در آستانه سالگرد رحلت حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، کنگره جهانی اهل البیت علیهم السلام در تهران برگزار گردید. برخلاف دیگر سمینارها و کنگره های اسلامی چند سال گذشته که به عنوان گوناگون از طرف سازمان تبلیغات اسلامی یا دیگر ارگانهای جمهوری اسلامی از قبیل سمینارهای وحدت و کنگره های اندیشه اسلامی و جز اینها با شرکت پیروان مذاهب اسلامی اعم از شیعه و سنی و احیاناً غیر اسلامی برگزار می گردید، کنگره جهانی اهل البیت، منحصرأباً با شرکت ۲۵۰ نفر از علما و دانشمندان و شخصیت های شیعه از حدود ۵۰ کشور جهان به اضافه دانشمندان داخل کشور از حوزه های علمی و دانشگاهها و مقامات مملکتی تشکیل گردید این جانب در اغلب سمینارها و کنگره های گذشته شرکت داشته و از بحثها و ثمرات و آثار آنها کاملاً اطلاع دارم در این کنگره هم شرکت نموده، با دقت کمیسیونهای مختلف و سخنرانهای متنوع آن را ارزیابی کردم. صرف نظر از روح حماسی و جنبه تبلیغی و یا طرح پاره ای از مباحث علمی که در برخی از آن سمینارها وجود داشت از لحاظ نیاز مبرم و ضرورت قطعی و نتایج ملموس، کنگره جهانی اهل البیت براکثر آنها رجحان داشت به چند دلیل:

اول- این که میهمانان خارج کشور، هر کدام در محل خود دارای شخصیت و نفوذ و مرجعیت امور علمی و مذهبی مردم بودند؛ و از این لحاظ، صلاحیت رأی دادن و تصمیم گیری را داشتند و برای اجرا و پیاده کردن مصوبات مجمع، از قدرت و امکانات لازم و موقعیت مناسب برخوردار بودند و این امر امید به جدی بودن تصمیمات مجمع را در آینده بیشتر و اطمینان به حصول نتایج آن را قویتر می کرد.

دوم- این که در میان آنان برخلاف بسیاری از سمینارها، افرادی که حضورشان صرفاً تشریفاتی است و بجز نام و آوازه و کسب عنوان ظاهری و به اصطلاح (سیاهی لشکر) فایده چندانی بر حضور آنان مترتب نمی شود. در این مجمع، چنین افرادی وجود نداشتند و یا بسیار کم و ناچیز بودند و این، عیب بزرگ این قبیل مجامع است که به علل گوناگون، بخش قابل ملاحظه ای از حاضران را چنان افرادی تشکیل می دهند و لهذا به تناسب هزینه و وقتی که صرف می شود فایده عاید نمی شود و گاهی این عدم تعادل به حدی است که نتیجه را به صفر می رساند.

سوم- این که اکثر آنان، صاحب درد و آگاه به نواقص و کمبودها و نقطه ضعفها بودند و معلوم است که (آه صاحب درد را باشد اثر).

چهارم- این که به جای سخنرانیهای علمی متنوع و بی هدف و پراکنده در جلسات عمومی، بیشترین فرصت را به کمیسیونهای شش گانه که از آنها یاد خواهیم کرد وا گذاشتند و به حاضران بخصوص میهمانان خارج کشور، مجال درد دل کردن و اظهار نیاز و بیان واقعه‌های موجود جوامع شیعی در اقطار جهان را دادند. از مجموع اطلاعاتی که از این راه به دست آمد، می توان دورنمای صادقی و عکسی مطابق اصل از اوضاع شیعه در جهان را ترسیم کرد، اطلاعاتی که به طریق دیگر کسب آنها آسان و میسر نبود. این اطلاعات نسبتاً درست و خالی از مبالغه و گزافه گویی، می تواند زیر بنای اصلاحات و تصمیمات بعدی این مجمع قرار گیرد.

پنجم- اختصاص این کنگره به علما و شخصیت‌های شیعه زمینه را به بهترین وجه برای فاش کردن اسرار و اوضاع و احوال پنهان جامعه شیعه و ابراز درد دل‌های نگفتنی فراهم کرد، در حالی که اگر علمای دیگر مذاهب اسلامی و یا نمایندگان کشورهای غیر مسلمان در آن حضور می داشتند، طبعاً بر زبان آوردن آن قبیل امور در حضور آنان مصلحت نبود و یک نوع آبروریزی و عیب خود گویی نزد دیگران به شمار می آمد و زیان آن از سودش بیشتر بود و ضررش بر نفعش می چربید که این، کار عاقلانه ای نیست.

ششم- که از همه مهمتر است این که اعلام گردید این مجمع به ابتکار و امر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای آن هم تقریباً در طلیعه تصدی رهبری ایشان بر گزار می شود و ایشان شخصاً در برنامه ریزیها و تصمیم گیریها نظارت داشته اند معظم له با تجربیات فراوان دوران انقلاب و پیش از آن، و با مطالعه اوضاع و احوال شیعه در اقطار جهان، تشکیل چنین مجمعی را لازم و ضروری دانسته اند و این، خود پشتوانه محکمی برای موفقیت این مجمع است که شخص رهبر، گام بگام آن را رهبری و موانع و مشکلات را مرتفع کند.

از سوی دیگر، استقلال مجمع، و عدم وابستگی آن را به ارگانهای دولتی عدم تغییر و تبدیل رأی یا رکود و رخوت را در مقام اجرا تضمین می نماید. همه مطمئن هستند که سروکار با شخص



رهبر است نه با تشکیلات؛ و شخص رهبر همواره بر آن نظارت دارد و مراقب فعل و انفعالات آن می باشد. برعکس نظر برخی، رابطه و وابستگی این مجمع به مقام معظم رهبری باعث پیشرفت و استحکام آن است و نه نقطه ضعف آن. اصولاً اگر قرار باشد جامعه شیعه و پیروان اهل بیت سر و سامانی به خود بگیرد حتماً باید زیر نظر بزرگترین مقام روحانی و سیاسی شیعه باشد تا هم از قداست و بی نظری و هم از قدرت و نفوذ لازم برخوردار باشد.

جامعه شیعه، بلکه جامعه اسلامی، پیش از استقرار نظام جمهوری اسلامی زیر نظر ولایت فقیه؛ از چنین مقام تصمیم گیری محروم بود، زیرا ارباب نفوذ و قدرت معمولاً زمامداری از قماش شاه ها و جلالة الملک و صاحب السمو الملکی و امیرها و شیوخ و رؤسای جمهور و نخست وزیرانی بودند که تقریباً اکثر آنان از مقررات دینی نا آگاه و یا نسبت به آن بی عقیده و بی تفاوت بوده و هستند و هیچ گاه تصمیمات آنان، در قلمرو مذهب با قداست و تعظیم و احترام باطنی مردم روبرو نمی گردد بلکه مردم، آن را یک نوع سوء استفاده سیاست از مذهب تلقی می کنند.

اما پیشوایان روحانی هم با همه احترام و قداستی که در دل مردم مسلمان و شیعه داشتند، مع الوصف، کار چندانی که به وضع شیعیان سر و صورتی و نظمی بدهد نمی توانستند انجام دهند زیرا:

اولاً، هر کدام جدای از دیگری و قهراً در محدوده خاصی اقدام می کردند و تقریباً هیچ گاه نتوانسته اند در این خصوص تصمیم دسته جمعی بگیرند.

ثانیاً، با وجود نفوذ معنوی از قدرت و امکانات و تجهیزات لازم برخوردار نبوده و نیستند چه

این که گام بگام باید از قدرت صاحبان زر و زور و زمامداران سیاسی استفاده می کردند که پیشوایان روحانی به همان دلیل که گفته شد با دولتمردان همکاری نمی کردند و یا به این دلیل که اصولاً دولت‌های آن چنانی، نظام مذهبی صحیح و منظم و سازمان یافته را به صلاح خود نمی دانند. و اگر هم روزی آن را مصلحت بدانند حتماً به همین دلیل، چنین تشکیلاتی در دل مردم جا ندارد و مردم با نظر شک و ریب به آن می نگرند و آن را یکی از دامها و دسایس آن قماش از زمامداران می دانند. کما این که دیدیم نه تشکیلات و عظم و خطابه ساختگی رضاخان و نه سپاه ترویج اسلام محمدرضاخان هیچ کدام پیش مردم پیشیزی ارزش نداشت و هنوز شکل نگرفته بود، از میان رفت.

مشخصاً به همین دلیل هم پیشوایان روحانی حاضر به همکاری جدی و صمیمی با آن قبیل تشکیلات پوشالی نبودند و اگر هم کسی از آنان روی خوشی به آن نشان می داد به بهای آبرویش تمام می شد و مردم، او را آخوند دولتی و مرجع تحمیلی و از وعاظ السلاطین به شمار می آوردند.

نظام ولایت فقیه، که در اصل همان نظام واقعی اسلام است، موهبتی است الهی که خداوند به مردم ما عنایت فرموده است و باید از فیوضات و مواهب بی منتهای آن بهره برند و در راه نظم دادن به امور دین و دنیای خویش بر محور اسلام عزیز از آن استفاده نمایند.

بنابراین، ما تا کنون چنین مقام شایسته‌ای که از هر لحاظ قابلیت تشکیل چنین نظام روحانی و سازمان مذهبی صحیح را داشته باشد، نداشته‌ایم و اگر یکی از مراجع تقلید گاهی به فکر چنین تشکیلاتی می افتاد، با کارشکنی دولتها و ارباب زر و زور و تزویر که غالباً در قرون اخیر وابسته به استکبار جهانی چپ یا راست بودند، مواجه می گردید. علاوه بر این، در داخل جامعه روحانیت نیز با انکار و احیاناً با تحریم و تکفیر روبرو می شد و همان زمامداران و ارباب قدرت از طریق اغوای افراد ساده لوح و بی اطلاع (و شاید دارای حسن نیت) آن اقدام مفید را به ناکامی می کشانیدند.

در این خصوص، داستانهای فراوانی بخاطر دارم که از باب نمونه به دو مورد اشاره می کنم: در قم، معروف بود که مرحوم آیه الله حایری بنیانگذار حوزه علمیه قم پس از بررسی و مطالعه بسیار، نتیجه تصمیم می گیرد که عده‌ای از طلاب با استعداد و خوش قریحه و خوش بیان را برای تبلیغ در خارج، با آموزش زبان خارجی و مجهز کردن به معلومات لازم، تربیت نماید. شاید هنوز این برنامه از مرحله فکر به عمل در نیامده بود که از بازار تهران عده‌ای به ظاهر مقدس به قم آمدند که ما وجوه می دهیم جهت ترویج فقه آل محمد (ص) نه برای فراگیری زبان انگلیسی و علوم کفار و اگر قرار باشد بخواهید از پول سهم امام علیه السلام خرج این قبیل کارها بکنید ما دیگر وجوهات نمی دهیم و دیگران را هم از پرداخت آن منع می کنیم! واسلاما! واسلاما! پول سهم امام و آموختن زبان انگلیسی؟؟؟ سرانجام، آن مرد روشن بین و مصلح از تصمیم خود دست برداشت؛ نظیر همین زمزمه‌ها، اینک از زبان برخی شنیده می شود که از تدریس زبان خارجی در دانشگاه علوم اسلامی رضوی انتقاد



می کنند! ...

در این خصوص مرحوم آیه الله بروجردی پیشوای واقع بین و روشن ضمیر و آگاه شیعه می فرمود: ما نه تنها از دیگران، که از خودیها هم باید تقیه کنیم! و هر حرفی و هر کاری را نمی توانیم بگوییم و عمل کنیم. شاید اگر ترس از همین مقدس نماهای مرموز نبود، آن مرد بزرگ منویات خود را اجرا می کرد ولی مسلماً با نا کامی فراوان و موفقیت اندک نسبت به آنچه فکر می کرد رخت از جهان بر کشید. وجه بسیار بوده اند رهبران و پیشوایان و مراجعی که به لحاظ این که قدرت اجرای مقاصد خود را نداشته اند با حسرت از جهان در گذشته اند.

نمونه دیگر - مرحوم آیه الله بروجردی در اول تصدی مقام مرجعیت، تصمیم گرفت در حوزه علمیه نجف اشرف که علاقه فراوانی به آن داشت شهریه برقرار کند ولی قبلاً جهت شناسایی میزان معلومات افراد، دستور داد از آنان امتحان به عمل آید، با کمال تعجب دیدیم که یکی از مراجع کهنسال نجف، امتحان را تحریم کرد و دیگران هم سکوت اختیار کردند و سرانجام آیه الله بروجردی امتحان ناکرده تن به پرداخت شهریه داد.

عرض کردم، بنده شخصاً و دیگران نیز از این قبیل خاطرات فراوان داریم. و اگر بخواهیم انگشت روی علة العلل و عامل اصلی این بی نظمیها بگذاریم مسلماً همان فقدان قدرت و نفوذ واحد سیاسی و روحانی و تفکیک قدرت سیاسی از نفوذ روحانی است.

جدایی افتادن میان این دو منصب، صدمات فراوان به پیکر اسلام زده است بزرگترین عیب انحراف منصب امامت و رهبری از پیشوایان راستین هم، همین بود که مآلاً میان روحانیت واقعی و

ریاست ظاهری جدایی افتاد و همکاری صمیمی میان این دو مقام وجود نداشت و اگر می داشت مورد قبول مردم واقع نمی شد. زیرا نقطه ضعفها و مظاهر فساد و بی دینی در زمامداران سیاسی آن قدر زیاد و آشکار و رسوا بوده و هست که مسلمانان پا کدل، نمی توانند در راه دینشان به آنان اعتماد کنند و روحانیت راستین هم از همکاری با آنان آبا می کرد، اما روحانیت صوری هم که نزد مردم مقام و موقعیتی نداشت و متهم بود.

این که عرض کردم نظام جمهوری اسلامی را که همان ادامه و امتداد نظام امامت و ولایت است (و اگر آن را نظام ولایت بنامیم خطا نرفته ایم) موهبت الهی است، به خاطر همین نکته است که گفته شد. باری؛ در مورد امر ششم سخن به درازا کشید ولی باز هم حق مطلب ادا نشد.

هفتم - که خیلی امید بخش است این است که اعلام گردید این مجمع، دارای مرکزی ثابت و تشکیلات و برنامه ای دائم و مستمر خواهد بود که مرتباً و بلا انقطاع کارها را دنبال می کند و در سال آینده و سالهای بعد، طی کنگره های دیگر، کار خود را به اطلاع اعضای مجمع می رساند و همه خواهند دانست که پیشرفت کار به کجا رسیده و مجمع، تا آن هنگام چه کرده و پس از آن چه می خواهد بکند ...

وجود مرکز ثابت و پی گیر، به این کار مهم روح می بخشد و بقا و پیشرفت آن را تا وصول به هدف نهایی تضمین می نماید.

بخصوص، که گردانندگان این اولین کنگره، همه مدرسان سرشناس و آگاه حوزه های علمیه بویژه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بودند و کلیه تصمیم گیریها بر همین محور چرخ می زد. و این امر، همکاری مستمر حوزه و مقام معظم رهبری را در بر دارد. ضمن این که به طوری که خواهم گفت وظایف خاص مراجع تقلید محفوظ می ماند و تداخلی در وظایف و مسؤولیتهای پیش نخواهد آمد.

هشتم - یکی از خصوصیات این کنگره عظیم، آن بود که قبلاً مجمع مشورتی کوچکتری متشکل از علما و مدرسان حوزه ها و فقیه های شورای نگهبان و مقامات روحانی دیگر که به نحوی مصدر کار هستند، برگزار گردید و در آن خطوط کلی مجمع جهانی اهل بیت به شور گذارده شد و کم و کیف آن، از هر لحاظ مورد بحث قرار گرفت و در همان جمع بود که اندیشمندان هر کدام اظهار نظر کردند و در پایان، توسط دبیر مجمع، جمع بندی و قرائت شد و پس از یک هفته، مجمع اصلی با شرکت بیشتر شخصیت های روحانی شیعه جهان، مدت چهار روز طی نشست های عمومی و خصوصی برگزار گردید در حالی که کمیسیونها مشخص و رئیس هر کمیسیون و معاون و منشی و مترجم آن معین و برنامه هر کدام و مطالبی که باید در آن طرح و بحث شود کاملاً پیش بینی گردیده بود. و به همین خاطر، این مجمع از لحاظ انضباط و برنامه ریزی و پیگیری دقیق از اهداف خود،

در بین کنگره های اسلامی دیگر دهه اول انقلاب اسلامی کم نظیر و یا بی نظیر بود. و همان طور که می دانیم این کنگره دقیقاً در پایان دهمین سال انقلاب هم برگزار گردید که تا حدود زیادی خاطرات تلخ و شیرین عشا اول انقلاب را همراه داشت و از تجربیات فراوانی هم برخوردار بود.

نهم - یکی دیگر از خصوصیات اصولی مجمع، آن بود که با اساس جمهوری اسلامی و مکتبی که چنین نظامی را در عرصه پهنای گیتی پدید آورد، یعنی مکتب اهل بیت علیهم السلام، ارتباط و پیوندی تنگاتنگ داشت و همان طور که برخی از سخنرانان گفتند؛ این یک دینی بود که نظام جمهوری اسلامی به مقام ولایت و امامت، مکتب خون و شهادت، مکتب مبارزه و جهاد بد هکار بود و با این مجمع، در صدد ادای آن برآمد.

البته همه فعل و انفعالات و برنامه های جمهوری اسلامی بر اساس اسلام راستین و قهراً در خط اهل بیت بوده و هست و باید باشد؛ اما آنچه گفته نمی شد و برای آن کنگره برپا نمی کردند افشای همین حقیقت بود که ما هر چه داریم از اهل بیت داریم.

اصولاً مکتب تشیع، مکتب مبارزه با ظلم و فساد و انحراف است؛ مکتب فداکاری، ایثار و خون و شهادت است و اینها همه، عناصر اصلی این انقلاب است و در هر قیام و اقدام و هر راهپیمایی و هر حمله و عملیات، ما از نام بزرگان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، استفاده برده ایم، تا پیروز شده ایم.

اصولاً، در بین مذاهب اسلامی مقام ولایت فقیه، منحصر به مذهب شیعه اثنی عشری است. در هیچ یک از مذاهب دیگر، فقیه، تا این حد ارج ندارد؛ در مذهب اهل سنت، میان مقام و منصب فقاہت و منصب خلافت و ریاست جدایی افتاده است. شاهان و ملوک و رؤسا. قانوناً حکمرانی را از آن خود، و فقیهان را تنها به عنوان ابزاری برای خود می دانند. با مسؤولیتهای محدود از قبیل فتوا دادن، بیان احکام، و عطا و ارشاد، قضاوت و اقامه جمعه و جماعات، البته زیر نظر آن حکام، مردم هم با این وضع خو گرفته اند. این در حالی است که همان طور که گفتیم حکومت اسلامی در اصل، همان ولایت پیغمبر و امام است که مستقیماً به ولایت فقیه، منتهی می گردد زیرا شاهان و ملوک و امثال آنها علماً و عملاً سنخیتی با پیغمبر و امام ندارند و تا کنون هر کس از این قماش از حکام، چه به نام خلافت و امیر المؤمنین و یا شاه و ملک و امیر و وزیر و شیخ و وکیل الرعایا و هر عنوان دیگری بر مردم مسلمان حکومت کرده است، همه برخلاف ساختار اصلی اسلام بوده است.

بنده طی یکی سخنرانی مطرح کردم که سیاست، در متن اسلام قرار دارد نه در حاشیه. و با شواهد بسیار آن را ثابت کردم و اگر چنین است حتماً زمامدار اسلامی باید عالم و فقیه و متقی و دور از هوا و هوس و دنیاپرستی و مالدوستی و دارای زهد و ورع باشد تا بتواند منصب پیغمبر و امام را به عهده گیرد. و این خود بحثی است مهم و قابل بسط.



بنابراین، ما هر چه داریم از امامت داریم و به قول امام رحمة الله عليه ما هر چه داریم از اهل بیت داریم، ما هر چه داریم از حسین و محرم داریم و... خوب، اگر چنین است، نباید برای این ستون محکم و رکن اصلی انقلاب؛ که اگر نبود انقلابی با این کیفیت اتفاق نمی افتاد، کنگره برپا کنیم؟ و از مقام امامت و اهل بیت تجلیل و تقدیر کنیم؟... حتماً چرا.

ولی جالب این جا است که فقط به تعظیم و احترام و قدردانی از اهل بیت، در این مجمع اکتفا نشد، بلکه این یک عمل ضمنی و قهری کنگره بود، هدف عمده، رسیدگی به وضع شیعه و پیروان اهل بیت در سطح جهان و ایجاد نظم برای آن و سر و سامان دادن به وضع آنان بود.

این، کاری است که تا کنون در شیعه نشده و نمی توانست بدون تمرکز قدرت روحانی و سیاسی در یک جا بشود. اهل بیت، از این بابت مهجور و مظلوم بوده و هستند و نقش رهبری آنان - آن طور که لازم بوده - تا کنون جز در چند سال خلافت حضرت علی علیه السلام با آن همه گرفتاریها به منصفه ظهور نرسیده است. و این، برای اولین بار است که در تداوم آن مکتب، اهل بیت به این حق واقعی خود رسیده اند و فرموده آنان: (وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِئاً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِينِهِ مُخَالَفاً لِهَوَاهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلْيَلْمُوهُمْ أَنْ يَقْتَدُوا) و (أَزْمَةُ الْأُمُورِ بِيَدِ الْفُقَهَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءُ عَلَى حِلَالِهِ وَحَرَامِهِ) به جریان افتاده است.

دهم - در انتخاب اعضا چه در داخل کشور و چه در خارج، صرفاً صلاحیت علمی و تقوایی و

موقعیت اجتماعی افراد نزد مردم خودشان، در نظر گرفته شده بود و ابداً مقید به سابقه انقلابی داشتن و در خط انقلاب بودن ملحوظ نگردیده بود، بلکه عمدهٔ علاقه به اهل بیت طهارت و صمیمیت در ولاء و اهتمام به احیای امر آنان میزان بود. و لهذا کسانی در این مجمع عظیم شرکت داشتند که سابقه و آثار علمی و رفتار و کار کرد آنان در خط اهل بیت بود هر چند در انقلاب نقشی نداشتند شاید هم برخی از آنان به این تصور که جمهوری اسلامی کاری برای اهل بیت نکرده، از آن فاصله گرفته بودند و یا به نحوی ابراز عدم رضایت می کردند در حالی که این تصور واهی، صد درصد غلط است؛ عنوان انقلاب اسلامی در جهان، به نام «تشیع» رقم خورده و رهبر انقلاب افتخار می کرد که پیرو مذهب جعفری است و کلیهٔ مسلمانان جهان، از جمله عده‌ای از اهل سنت که صمیمانه با انقلاب همکاری می کردند، این حقیقت را می دانستند و شاید در جامعه سنتی خود که به بدبینی نسبت به شیعه و عدم همکاری با این طایفه عادت کرده بود، مورد اتهام قرار گرفته باشند؛ (که این امر دربارهٔ برخی از آن بزرگان قطعی است).

در این کنگره این حقیقت فاش شد که هزاران نفر از دانشگاهیان و اهل مطالعهٔ مسلمان، در کشورهای مختلف به مذهب تشیع گرایش و یا تمایل پیدا کرده اند. قانون جمهوری اسلامی بر اساس فقه اهل بیت است و مقام رهبری، مشروعیت خود را به خاطر نیابت از امام زمان عجل الله فرجه می داند و مردم هم او را به همین سمت می شناسند. بنابراین، آن تصور از اصل باطل است. دهها مرکز تحقیق، در دانشگاههای جهان به شیعه شناسی اشتغال ورزیده تا بدانند در درون این مذهب چه نیروی معنوی نهفته است که در این عصر مادی و ظلمانی قادر است حکومت تشکیل دهد و قوانین اسلام را مو بمو اجرا نماید.

همین مطلب، یکی از حقایقی بود که در سخنان رهبر عالی قدر و رئیس جمهور محترم و بسیاری از گویندگان کنگره، مکرراً بیان شد و همین است که گفتم مجمع، دینی را به اهل بیت ادا کرد.

باری، این بی طرفی در خطوط سیاسی، بسیار اثر خوبی داشت و جمهوری اسلامی و مقام رهبری از این راه، دوستان فراوانی در بین علما و پیشوایان شیعه کسب کردند که شاید پیش از آن، خوشبین و تا این حد صمیمی نبودند.

یازدهم - این ابتکار که ظاهر آن از شخص رهبر است و به جای مجمع جهانی شیعه یا جعفری، یا اثنی عشری، یا امامیه و نامهای دیگر که نمودار مذهب خاصی است عنوان «اهل بیت» را برگزیدند، دارای مفهوم و انگیزه‌ای بسیار والا است.

شک نیست که کلیهٔ فرق شیعه، خود را منتسب به اهل بیت می کنند. علاوه بر آنان بیشتر طرق صوفیه در جهان اسلام، طریقهٔ خود را منتسب به حضرت علی و فرزندان گرامش می دانند و سلسلهٔ خود

را به او می‌رسانند و در اذکار و اوراد خود، بر آنها درود می‌فرستند، علی‌علیه‌السلام و خاندانش در میان اهل سنت هند، پاکستان، اندونزی، مصر، مغرب، الجزایر و دیگر مناطق جهان پهناور اسلام، مقامی والاتر از دیگر خلفا و صحابه دارند و غالباً رشته‌ولایت را از علی‌ناشی می‌دانند. این حقیقتی است که بنده طی سفرهای پیاپی در مصر، هند، ترکیه، مغرب و الجزایر بدان پی بردم.

بنابراین، «اهل بیت» برای همهٔ مسلمین سخنی است آشنا و عنوانی است مقدس. اگر آنان از نام شیعه یا (رافضی) و جعفری و امامی در نتیجهٔ تلقینات سوء، ذهنیت بدی دارند و به آن نامها، روی خوش نشان نمی‌دهند اما «اهل بیت» در دل همه جا دارند. در مصر پیشوایان طرق صوفیه عموماً نسب خود را به علی (ع) می‌رسانند و بسیاری از آنان عنوان حسنی و حسینی را بر نام خود می‌افزایند. و تصریح می‌کنند (حسینی ابا و حسنی اما) یا بالعکس؛ و این اصرار بر اتصال رشتهٔ نسبشان به خاندان پیغمبر، دلیل بر این است که این انتسابها در مشروعیت و مقبولیت آنان نزد پیروانشان مؤثر است و اتصال نسب از هر دو طرف به پیغمبر و علی‌علیه‌السلام برای یک شیخ طریقت و قطب ارشاد، خود یک مزیت، بشمار می‌آید.

به همین دلیل، می‌توان گفت احتمالاً اساس طریقهٔ تصوف، در بین اهل سنت، بر تشیع بوده است و رابطهٔ میان پیگیری این مطلب، خود می‌تواند یکی از راههای ایجاد یا کشف یک نوع تقریب، بین مذاهب تسنن و تشیع بوده باشد.

در قاهره دهها مقام و حرم و بقعه و زاویه به اهل بیت پیغمبر چه زن و چه مرد اختصاص دارد که مملو از زائران است و اگر ادعا کنم عواطف و محبت و دوستی مصریان به خاندان پیغمبر دست کمی از ایران ندارد بلکه مظاهر دوستی آنان بیش از ایران است، سخن گزافی نگفته‌ام. کافی است بدانیم که در مصر یک ماه تمام برای ولادت حضرت امام حسین (ع) جشن می‌گیرند. این جشنها را شیخ ازهر به طور رسمی در مسجد امام حسین افتتاح می‌کند و رادیو و تلویزیون آن را پخش می‌کند و من در یکی از این مراسم در آن مسجد حضور داشتم.

باری، کنگرهٔ جهانی ویا مجمع جهانی اهل بیت، پایگاه، همهٔ مسلمانان با کدل و دل بسته به خاندان پیغمبر است و همان طور که بارها طی جلسات کنگره، سخنرانان بر زبان آوردند، «اهل بیت» خود میزان و محور وحدت و اتحاد مسلمین و شیرازهٔ نظام اسلامی هستند و تمسک به آنان، باعث نجات است حدیث (مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ) لا اقل از لحاظ مودت و ولاء و نه از لحاظ اطاعت و پیروی در بین عموم مسلمین، تحقیق دارد.

از لحاظ تاریخی، علی‌علیه‌السلام و امامان بعد از او، در مشکلات سیاسی و علمی، ملجأ و مرجع زمامداران و مردم بوده‌اند. و بنا به تغییر بنده طی سخنرانی در کمیسیون فرهنگی این کنگره، آنان همواره از موضع پدری مهربان، با مسلمانان برخورد می‌کردند؛ هر چند مردم گاهی فرزندان

ناسپاس و یا جاهل بودند. و مقام آن بزرگواران را آن طور که باید، باور نداشتند. هم اکنون نیز، رهبران شیعه باید از همین موضع با سایر مسلمانان برخورد کنند و خود را راهنمای ناصح و پدر دلسوز آنان بدانند و به اختلاف مذهبی آنان، اعتنا نکنند.

شاید این محبوبینی که اهل بیت در جوامع اسلامی دارند، نتیجه همان سماحت و گذشت و بزرگواری و عواطف محبت آمیز اهل بیت به نسلهای مسلمان معاصر خود باشد که اخلاف ایشان، آن را از پیشینیان خود به ارث برده اند. علاوه بر این، جایگاه اهل بیت در روایات فضایل اهل سنت، آنقدر عالی است که هیچ شخص مطلع و آگاه از روایات، نمی تواند، آن را انکار نماید. البته قیام اولاد علی علیه السلام و ایستادگی آنان در قبال خلفای جور و حکام ستمگر در طول تاریخ اسلام، قطعاً در این محبت و علاقه مردم مسلمان به خاندان پیغمبر دخالت داشته است.

باری به علل گوناگون، تقریباً همه مسلمین به اهل بیت عشق می ورزند. پس چه بهتر که همین عنوان «اهل بیت» به جای عناوین دیگر که ممکن است حساسیت ایجاد کند، بر روی این کنگره و مجمع جهانی باشد.

دوازدهم - آخرین امتیاز مهم این کنگره، آن بود که با روشن بینی و واقع نگری خاصی، همراه کنگره اهل بیت و توأم با آن، تأسیس دو مجمع ثابت، اعلام گردید: اول، دارالتقرب یا «مجمع التقرب بین المذهب الاسلامیه» اعلام گردید. معنی این ابتکار، آن است که پیروان اهل بیت نمی توانند به وضعیت خود سر و سامانی بدهند مگر در داخل اردوگاه و جامعه اسلامی و با توجه به مصالح عالم اسلام، و با هماهنگی و معاونت با سایر مذاهب اسلامی. تا معلوم شود که مجمع اهل بیت تشکیلاتی در قبال مذاهب اسلامی و پیروان اهل سنت داراسلام و به قصد خدمت به کل مسلمین می باشد.

در مزایا و فواید این ابتکار هر قدر انسان بیندیشد، بیشتر به اهمیت آن پی می برد مسأله تقرب بین مذاهب اسلامی، تحت عنوان «دارالتقرب بین المذاهب الاسلامی»

حدود و پنجاه سال سابقه دارد. اما اصل طرح اتحاد و وحدت مسلمین که همواره از صدر اسلام مطرح بوده و در قرن اخیر، منادیان وحدت و مصلحانی از قبیل سید جمال الدین اسد آبادی و شیخ محمد عبده و پیروان آنان و نیز مصلحانی در شبه قاره هند، اتحاد اسلام را در جوامع اسلامی طرح و تبلیغ کردند و مسلماً اندیشه آنان، سرانجام، به تأسیس (دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه) منتهی گردیده است.

اما دارالتقرب، توسط چند تن از دانشمندان شیعه و اهل سنت و با تدبیر و پشتکار علاقه شیخ محمد تقی قمی، پس از سالها تمهید مقدمات، سرانجام در سال ۱۳۲۵ هجری شمسی برآید با ۱۳۶۵ هجری قمری به طور رسمی در قاهره تأسیس گردید. و همان سال آیین نامه آن را برای پدرم که از

و عطا خراسان بود، فرستادند و بنده از همان هنگام با منطق دارالتقريب آشنا شدم و بعد آن را در طی مطالعه مجله (رسالة الاسلام) ارگان دارالتقريب و نیز طی تماسهای پياپی با آقای شيخ محمد تقی قمی و ديگر همفكران ایشان، دنبال كردم و از كم و كيف آن كاملاً آگاه می باشم.

بنیانگذاران و اعضای اولیه دارالتقريب، عده ای از پیشوایان و مراجع شیعه مانند مرحوم آية الله شيخ محمد حسين كاشف الغطاء، علامه سيد هبة الدين شهرستانی، علامه سيد شرف الدين جبل عاملی، علامه شيخ محمد جواد مغنیه و از اهل سنت، استاد شيخ عبدالمجيد سليم، شيخ اسبق جامع ازهر، شيخ محمود شلتوت، شيخ اسبق ديگر جامع ازهر، شيخ محمد مدنی، شيخ محمد غزالی و ديگر علمای نامدار مصر و يمن و هند بودند و آثار آنان را در شماره های مجله (رسالة الاسلام) می توان دید.

من در این جا قصد ندارم تاریخچه دارالتقريب را بنویسم فقط از باب یاد آوری سابقه امر، لازم دانستم نامی از آن ببرم تا معلوم شود مجمع التقريبي که اینک زیر نظر رهبر انقلاب اسلامی و به پیشنهاد ایشان تأسیس می گردد، سابقه ای بس طولانی دارد و آرمان و آرزوی بزرگترین علمای چند دهه گذشته بوده است. از جمله چند تن از مراجع تقلید شیعه مانند مرحوم آية الله العظمی استاد ما مرحوم آقای بروجردي بر آن صحه گزاردند و در تقويت آن کوشيدند.

از مرحوم آية الله بروجردي در مجلس درس و در جلسات خصوصی، بارها تمجيد و تصویب دارالتقريب را می شنيدم.

يكبار در درس فرمود: حالا مسأله تقريب در حال پيشرفت است و ما خدا را شكر می كنيم كه در آن سهمی داشتيم. رابطه آقای قمی، دبیر كل دارالتقريب با ایشان بسیار مستحکم و مشارالیه مورد علاقه و توجه آن مرجع عالیقدر بود و ظاهراً از لحاظ مادی هم به آن مؤسسه کمک می فرمود به تواتر نقل شد که آية الله بروجردي در حال احتضار، لحظاتی پيش از بدرو زنگی، تأکید فرموده که آقای قمی باید به قاهره برود و كار تقريب را دنبال نماید.

از نتایج ملموس آن مرکز اسلامی، یکی همان فتوای تاریخی شيخ محمود شلتوت راجع به جواز رجوع در مسائل فقهی به مذهب اهل بیت عليهم السلام بود. و نیز چاپ كتاب مختصر النافع متن فقهی مختصر از محقق اول، توسط وزارت اوقاف مصر با مقدمه شيخ حسن باقوری وزير اوقاف وقت مصر، و نشر رساله حديث الثقلين که توسط یکی از علمای قم تهیه شده بود، به اضافه طبع متنح تفسير (مجمع البيان) امين الاسلام طبرسی توسط دارالتقريب، و نیز آشنایی علمای اهل سنت و مفتیان مصر با فقه شیعه و حتی اختیار برخی از فتاوی خاص شیعه در قانون احوال شخصیه مصر و بسیاری از فواید ديگر...

اینک، در نظام جمهوری اسلامی که از آغاز تأسیس، بر محور وحدت جهان اسلام، فعالیت

داشته است، به طور رسمی، مرکزی ثابت به نام (مجمع تقریب بین المذاهب الاسلامیه) تأسیس می گردد و در قطعنامه (مجمع جهانی اهل بیت) لزوم تأسیس آن قید گردیده است. ما انتظار داریم، این دو مجمع مقدس: مجمع جهانی اهل البیت و مجمع تقریب بین المذاهب الاسلامیه دوشادوش هم در راه مصالح کلی جهان اسلام و در عین حال، حفظ مقام و موقعیت و حقوق مسلم اهل بیت، به پیش روند و همه مسلمین و به خصوص جامعه شیعه از پرتو آن دو مجمع، بهره کافی ببرند.

مجمع دومی که در کنفرانس جهانی اهل بیت، ضرورت تأسیس آن اعلام گردید، همانا یک مجمع فتوایی، مرگب از مجتهدین بود که مقرر شد مرکز آن حوزه علمیه قم بوده باشد این مجمع فتوایی، وظیفه دارد:

اولاً - با تمام تدابیر علمی و تحقیقات مناسب، فقه اهل بیت را در سطح جهان اسلام نشر دهد. مزایا و اسباب رجحان این فقه را بر فقه سایر مذاهب اسلامی، همراه دلیل و برهان بیان کند، تهمتها و هجومهایی را که به آن می شود نقض و رد نماید. و بالاخره این مجمع، دفاع از فقه اهل بیت را از هر لحاظ به عهده گیرد. که از جمله این تدابیر، نوشتن موسوعه و معجم بزرگی در فقه تطبیقی و مقایسه مکتبهای فقهی اسلام با یکدیگر و تبیین نقاط ضعف و قوت هر کدام و ارائه دلیل و منشأ و ریشه اختلاف آنها است.

ثانیاً - این مجمع فتوایی، عهده دار پاسخ به سؤالات فقهی و استفتاهای مسلمانها باشد. و به لحاظ صیانت مقام مرجعیت مراجع عظام و نیز حفظ حریم ولی امر مسلمین، مقرر شد که فتاوا را به تناسب موضوع، از مراجع ویا ولی امر اخذ و به سؤال کنندگان ابلاغ کند و قلمرو و حریم هر یک از آن دو مقام رعایت شود یعنی در مسائل اجتماعی و سیاسی و نیازهای کلی که به همه کشور و عامه مسلمین مربوط می شود از مقام معظم رهبری استفسار شود و راجع به سایر مسائل مورد ابتلای مردم که مربوط به وظایف شخصی است، از مراجع تقلید استفتا گردد. البته تشخیص این دو نوع مسائل به عهده خود مجمع فتوایی است.

ثالثاً - این مجمع، می تواند بازوی مشورتی برای مراجع عظام در صورتی که آنها بخواهند، باشد. همان طور که می تواند رابط میان مراجع و رهبر و مورد شور ولی امر مسلمین در مسایل مهم و حیاتی که به نحوی با فقه مربوط می شود قرار گیرد.

گزارشی از مجمع جهانی اهل بیت

به طور فشرده، این کنگره با شرکت بیش از چهارصد نفر از علمای شیعه که ۲۵۰ نفر آنان از خارج ایران دعوت شده بودند، طی چند روز از ۳۱ اردیبهشت تا سوم خرداد به بحثها و سخنرانیهای

عمومی و خصوصی خود طی چهار جلسه عمومی و شش کمیسیون، ادامه داد. که بخشی از موضوعات مورد بحث، راجع به اهل بیت و بخش دیگر، مربوط به اوضاع و احوال شیعه بود. از جمله موضوعات زیر:

- ۱- اهل بیت و میراث علمی و فرهنگی آنان.
- ۲- اهل بیت و رهبری امت اسلامی.
- ۳- اهل بیت و وحدت امت اسلامی.
- ۴- اهل بیت و نقش عملی آنان در حفظ کیان اسلام.
- ۵- اهل بیت و خدمات انقلاب اسلامی در سایه تعالیم آنان.
- ۶- ارزشها و آرمانهای انسانی اهل بیت و چگونگی اجرای آنها در زندگی اجتماعی.
- ۷- اوضاع کلی پیروان اهل بیت علیهم السلام و شیوه های حمایت و بالا بردن سطح و منزلت

آنان.

جلسات عمومی مجمع جهانی اهل البیت در حسینیه ارشاد

در جلسه افتتاحیه پس از تلاوت آیاتی از قرآن و خواندن سرود دسته جمعی، آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهور کشور، طی سخنانی، بر گزاری کنفرانس بین المللی اهل بیت (ع) را یک حرکت لازم و ضروری دانست و با تأکید بر این مطلب که این مجمع، مکمل کنفرانس وحدت اسلامی است، اظهار داشت هدف اصلی ما، وحدت امت اسلام است و بحثها، اسنادها و استدلالهای شرکت کنندگان، باید به استحکام بیش از پیش این وحدت بیانجامد، وحدت اسلامی، ضرورت قاطع ما در این مقطع تاریخ است و برای پیاده کردن احکام اسلام، هیچ راهی جز حرکت در جهت استحکام بخشیدن به یکپارچگی و اتحاد مسلمانان، نداریم.

وی، ضرورت توجه به منابع تغذیه کننده وحدت و تأمین کننده نیازهای فکری، روحی و عملی جامعه اسلامی را یاد آور شد و افزود: قرآن کریم محور اساسی و اصلی تمامی کارها و تلاشها است، اگر ذره ای از قرآن فاصله بگیریم، پایان کارمان خسران و جهنم خواهد بود.

آقای هاشمی رفسنجانی، توضیح داد که اختلاف نظر، از نقطه انطباق کلیات با موارد عملی و جزئی که بسیار نیازمند دقت و ظرافت است پیدا می شود و مسأله امروز جهان اسلام، حجیت منابع اسلامی است که به چه اسناد و اتکا کنیم و اگر این مشکل حل شد، هر کس می تواند به عقیده خود باقی بماند و ما می توانیم در عمل به اتفاق برسیم.

در این خصوص، ریاست جمهور، سخن ابتکاری استاد بزرگ آیه الله بروجردی را یاد آور شد که مسلمانان، امروز نیاز ندارند بدانند در صدر اسلام کی، خلیفه بود و یا نبود این بحث درد امروز

مسلمانان را دوانمی کند، اما امروز، نیاز دارند بدانند احکام اسلام را از چه مأخذی بگیرند که تأکید شیعه بر حجیت اقوال ائمه اهل بیت است. و می گفت: از هنگامی که این سخن را شنیدم با تمام وجود آن را پذیرفتم.

ایشان، تأکید کردند که این کنفرانس، می تواند پایگاه وحدت جهانی اسلام را تحکیم بخشد و اهل بیت پیغمبر، در جایگاه رفیعی قرار دارند که می توانند محور اساسی تمامی فرق اسلامی باشند.

آن گاه، آقای رئیس جمهور، به حماسه آفرینی و رشادتهای مسلمانان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت در اقصی نقاط جهان، پرداخت و تأکید کرد که ایران اسلامی، پایگاه تمامی مسلمانان جهان، محسوب می شود و حضرت امام خمینی رهبر عظیم الشان و فقید انقلاب اسلامی ایران، به همه جهان اسلام متعلق بود و وجود عزیزش در اوج عرفان اسلامی قرار داشت و تفکر ایشان محدودۀ جغرافیایی را نمی پذیرفت.

آقای رفسنجانی، از مکتب حیات بخش اهل بیت، به عنوان بهترین منبع تغذیه برای سازندگی امت اسلامی نام برد و پیروزی انقلاب اسلامی را بر رژیم جهنمی طاغوتی و بر استکبار جهانی، و ایستادگی این نظام را در برابر همه توطئه ها، شاهد زنده ای بر این ادعا که - اهل بیت بهترین منبع تغذیه امت اسلامی است - دانست که به جرأت می توان گفت: هیچ چیز به اندازه معارف اهل بیت علیهم السلام و راه و رسم زندگی آنان، در پیروزیهای بزرگ و افتخار آفرین انقلاب اسلامی، تأثیر نداشته است.

ایشان، عجز و ناتوانی ناظران سیاسی بین المللی در ارائه یک تحلیل درست از انقلاب اسلامی را، ناشی از عدم شناخت و آشنایی آنان با اهل بیت دانست و بر نقش ولایت فقیه، در رهبری و هدایت ملت مسلمان ایران، تأکید کرد و گفت: ولایت فقیه، مسأله ای است که از اهل بیت ناشی می شود. و این که مسؤول یک کشور و ملت مسلمان، فردی مجتهد، فقیه، مدیر و مدبر و شجاع باشد مهمترین چیزی است که با آن، نعمت بر ما تمام می شود. (مقصود نعمتی است که در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی» آمده است).

آقای هاشمی، ضرورت ارتباط و همفکری میان پیروان اهل بیت را مورد تأکید قرار داد و گفت: هماهنگی و وحدت عمل، میان پیروان اهل بیت کمک بزرگی به وحدت اسلامی و تلاش در جهت رفع دردهای دنیای اسلام خواهد بود و اگر به چنین نقطه ای برسیم، می توانیم به نفع مسلمانان، یک حرکت جهانی را به وجود آوریم.

در پایان، از مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای به خاطر ابتکار حکیمانانه شان در برگزاری این کنفرانس سپاسگزاری کرد و دست اندر کاران کنفرانس و شرکت کنندگان در آن را به

تلاش مجدّانه در جهت دستیابی به اهداف کنفرانس فرا خواند .

سخنان آية الله امينى

سپس آية الله امينى، رئيس کنفرانس اهل البيت، با اشاره به حديث ثقلين واحاديثى از آن قبيل گفت: هدف پيامبر اسلام از اين گونه احاديث، معرفى يك مرجع علمى معتبر و مصون از گناه و خطا، به مسلمانان بود، تا مسلمانان، بتوانند علوم و معارف اصيل اسلامى را از آنان كسب كنند و گفت: اگر مرجعيت علمى اهل بيت مورد قبول قرار گرفته بود، اکنون اسلام چهره يكسانى داشت. وى تأکيد کرد که علما و فضلا با مطرح کردن مرجعيت علمى اهل بيت، در اين کنفرانس در جهت تثبيت و استحکام وحدت مسلمين تلاش و كوشش كنند .

سخنان علامه فضل الله

علامه فضل الله عالم مجاهد لبنانى، پيرامون سيرة على با خلفا و خطوط كلى وحدت اسلامى از ديدگاه آن حضرت، سخن گفت و اظهار داشت: مطالعه دقيق تجربه اسلامى كه امام على عليه السلام آن را رهبرى مى كرد، به ما نشان مى دهد كه آن حضرت همواره موضعى اتخاذ مى كرد كه به اقتدار اسلام خللى وارد نشود. و همواره با در نظر گرفتن مصالح اسلام در صدد روشن شدن حقايق كلى اسلام و نيرومندى و ثبات جامعه اسلامى بود و در اين راه از حقوق شخصى خود صرف نظر و تعدى و اجحاف به آن حقوق را تحمل مى كرد. وى نمونه هاى از گفتار و رفتار على را از نهج البلاغه ياد آور گرديد .

علامه فضل الله با تأکيد بر اين كه ما بايد از سيرة على عليه السلام، يك قاعده ثابت را براى وحدت اسلامى استخراج كنيم، گفت: آن حضرت در تمامى مسائل، حفظ و ثبات وحدت مسلمانان را مد نظر داشت آن گاه به مسأله فلسطين و افغانستان اشاره كرد كه يك مسأله شخصى نيست و به همه مسلمانان تعلق دارد و مسلمين بايد اختلاف مذهبى خود را در حل اين دو مسأله کنار بگذارند، و به يارى برادران مسلمان خود در لبنان، فلسطين و افغانستان بشتابند .

علامه فضل الله، تأکيد کرد، اگر در خط وحدت اسلامى، منسجم باشيم هر گز از مفاهيم و آرمانهاى اهل بيت دور نخواهيم شد. و در پايان، از جمهورى اسلامى ايران به خاطر تلاش و كوشش در جهت وحدت مسلمين تشكر و قدر دانى كرد.

دومين جلسه عمومى کنفرانس

اولين سخنران، آية الله جوادى آملی، تفکر تفسیرى اهل بيت و انطباق صفات آنان با اوصاف قرآن کریم را، مورد بحث قرار داد. وى گفت مفسر قرآن، بايد از اعتلاى روح و حکمت و

معرفت الهی سهمی داشته باشد، و این اوصاف با جامعیت تمام، در مورد اهل بیت تبیین شده است: اهل بیت، در حد بصیرت، مورد تهاجم علوم الهی قرار داشته، روح بلندشان در اعتلا بوده است؛ آنها از ذات اقدس الهی، علم آموخته‌اند و نه تنها به علم دیگران بی نیازند که دنیا به علم آنها نیازمند است. وی از اهل بیت، به عنوان کوثر و زمامداران حق نام برد و گفت: اوج مفاهیم قرآن، سهم آنان است. پیغمبر اسلام، پس از شهادت به عبودیت خود برای خدا، رسالت الهی را اعلام و ادعا کرد، و امامت اهل بیت، نیز در سایه عبودیت آنهاست. وی در پایان، مظلومیت و محرومیت پیروان مکتب حیات بخش اهل بیت در جهان و تهاجم فرهنگی بیگانگان علیه آنان را، دلیلی بر ضرورت تشکیل چنین کنفرانسی دانست. و با تأکید بر مسؤولیت سنگین علمای اسلام، گفت: تلاش برای از بین بردن دشمنی و اختلاف بین مسلمانان، مخصوص فرزندانگان است، و در این مقطع از زمان، ما بیش از هر چیز به وحدت صف اسلامی نیازمندیم، و اگر بار علمی لازم را نداشته باشیم، امکان القای پیام وحدت مشکل خواهد بود.

حمید الحسن، از هندوستان، نیز وحدت مسلمانان را از دید گاه قرآن، یاد آور شد و به طور مبسوط تنفر و انزجار اهل بیت را از تفرقه بیان کرد، و از کسانی که به این تفرقه دامن می زنند، نکوهش به عمل آورد.

آقای آصف محسنی، روحانی برجسته افغانی به بحث پیرامون آیه تطهیر و دلالت آن بر عصمت اهل بیت و این که اراده در (أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ آيْذَهُبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ) اراده تکوینی است نه تشریحی، پرداخت. وی خواستار استمرار و ثبات دبیرخانه کنفرانس جهانی اهل بیت شد تا پیروان این مکتب پر فروغ، بتوانند برای یافتن راه حل مشکلات خود، به طور دائم با آن در ارتباط باشند. سپس آیه الله مصباح یزدی، موقعیت امامت، در نظام عقیدتی مکتب اهل بیت، و شرایط و ویژگیهایی را که مدیر یک جامعه اسلامی برای امکان واجب شدن اطاعت از او، باید واجد باشد، مورد بحث قرار داد و از امامت، به عنوان یک مسأله اصلی و اعتقادی یاد کرد. عصمت در مقام عمل و داشتن علم خدادادی و حجیت مطلق امر و نفوذ کلام در امور اجتماعی و بسیاری از مختصات دیگر پیغمبر عظیم الشان اسلام را، که از طرف خداوند به دوازده تن از اهل بیت آن حضرت عنایت گردید. خاص مقام امامت دانست؛ و گفت: همان گونه که سخن پیغمبر در تبیین و تفسیر کلام خدا حجیت بود سخن امام هم، همان ارزش را دارد.

وی در پایان، با استناد به دلایل عقلی، ضرورت وجود مفسر و مبین قرآن پس از پیغمبر را ثابت کرد و از دلایل اثبات نبوت، به عنوان دلیل وجود امام معصوم و این که امامت، استمرار نبوت است، یاد کرد.

سید ساجد علی نقوی، رهبر برجسته پاکستانی، با بیان خدمات انقلاب اسلامی در پرتو

مکتب اهل بیت، گفت: نقش انقلاب اسلامی در جهان معاصر و ابتکارات آن، از مکتب اهل بیت نشأت می‌گیرد و این امر، توجه جهانیان را به خود جلب کرده است. وی تعمیم آگاهی و بیداری ملت‌های محروم و تحت ستم جهان، و تقویت روحیه آنان در قبال ستمگران و مستکبران، و حمایت از جنبش‌های رهایی بخش را، به عنوان ثمرات انقلاب اسلامی نام برد و گفت: ملت مسلمان ایران، با انقلاب خود، اسلام را به عنوان دینی زنده و حیات بخش به جهانیان شناساند. و توطئه استعماری (جدایی دین از سیاست) را خنثی کرد. و این، در حالی است که سیاست (نه شرقی نه غربی) انقلاب اسلامی و عدم تسلیم در برابر زور گوی مستکبران، موجب ادامه راه اهل بیت است.

سومین جلسه عمومی کنفرانس

در این جلسه، تشکیل مجمع ثابت جهانی اهل بیت را با ذکر خصوصیات به رأی گذارند. و از سوی متفکران، علما، اندیشمندان و شخصیت‌های اسلامی و شیعی حدود ۵۳ کشور جهان مورد تصویب قرار گرفت و آنان، ایران را (ام‌القری) اسلام دانستند. براساس این مصوبه، مجمع جهانی اهل بیت، زیر نظر مستقیم ولی امر مسلمین جهان حضرت آیه‌الله خامنه‌ای فعالیت خواهد داشت؛ و بر تمام حرکتهای اسلامی در زمینه‌های فرهنگی، تبلیغی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که در سطح جهان اسلام، صورت می‌گیرد، نظارت خواهد کرد.

در این جلسه، گزارشی از فعالیت کمیسیون‌های ششگانه: فرهنگی، تبلیغاتی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی، و حوزه‌های علمیه، به کنفرانس ارائه گردید. (بحث از چگونگی و کم و کیف بحثها و مشخصات سخنرانان و صاحب نظران این کمیسیونها، از حوصله این مقال خارج است و کتابی را می‌طلبید. قرار است کلیه صحبتها و درد دل‌های حاضران و راهنمائیها و راه‌حلهایی که برای مشکلات انبوه پیروان اهل بیت در سراسر جهان و نقاط دور افتاده، از قبیل جزیره موریس و جز آن، محرومیتها و موفقیتها، گسترشی که در این چند سال بر اثر موج انقلاب اسلامی ایران و اشاعه افکار بلند حضرت امام خمینی رضوان الله علیه در شناخت مذهب اهل بیت در مراکز فرهنگی و دانشگاهی کشورهای اسلامی رخ داده و ارزشیابی دقیق و نحوه هدایت و کنترل و حفظ و صیانت آن گرایش، از گرایشهای انحرافی، و از این قبیل موضوعات، همه ثبت و ضبط و منتشر گردد تا عظمت این کنفرانس و نتایج گرانبهای آن دانسته شود.)

سخنان آیه‌الله جنتی

آنگاه آیه‌الله جنتی، رئیس کمیسیون تبلیغات کنفرانس و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی کشور، طی سخنانی، لزوم هوشیاری مسلمین بویژه پیران اهل بیت، در مقابله با ترندها و توطئه‌های

تبلیغی دشمنان اسلام را مورد تأکید قرارداد، و ضرورت شناخت توطئه های استکبار را که اکنون از اسلام، ضربه خورده و تلاش مذبحخانه در مقابله با انقلاب اسلامی را دارد، گوشزد کرد.

ناطق، لزوم تبیین اسلام ناب محمدی و وجه تمایز آن با اسلام آمریکایی را برای مسلمانان مورد توجه قرارداد و اظهار داشت: وهابیت، با پشتوانه قوی مالی و امکانات فراوان، ضمن احداث مساجد و مدارس و دانشگاهها و با نشر و توزیع نامحدود کتابها و جزوه ها، و با تربیت عالم نمایان امریکایی، سعی دارد، اسلام مورد ادعای خود را به عنوان اسلام اصیل به مسلمانان القا کند. وهابیت بیشترین حربه خود را متوجه پیروان اهل بیت کرده و ما باید با حرکتهای هماهنگ، در مقابل سیل تبلیغات مسموم وهابیت با یستیم و به اتهامات واهی آنان، پاسخ دهیم (شکایت از فعالیت های سعودیها و وهابیت، در اکثر کمیسیونها و توسط بیشتر حاضران از نقاط دور و نزدیک، بسیار شدید بود).

در پایان، آیه الله جنتی، به هجوم فرهنگی غرب از طریق تبلیغ برای نشر فساد اخلاقی و تباهی مسلمانان که همواره رو به فزونی است، اشاره کرد و ضرورت جلوگیری از نفوذ این فرهنگ را با الهام از کنفرانس اهل بیت مورد تأکید قرارداد.



جلسه پایانی کنفرانس

در این جلسه نخست، حجة الاسلام حکیم رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، به بحث پیرامون نقش ائمه اهل بیت علیهم السلام در حفظ و صیانت اسلام پرداخت و گفت: اگر تلاش ائمه نبود، وحدت امت اسلامی ممکن نمی شد، آنان توانستند ارتباط و همبستگی لازم را بین طوائف مختلف برقرار سازند. ناطق، این بحث را با ذکر ادله و شواهد تاریخی ظرف ۵۰ دقیقه به پایان آورد.

سپس، علامه سید مرتضی عسکری، که قبلاً به نظر می رسید از فعالیت های سیاسی و تحولات انقلاب اسلامی برکنار و منزوی، و سرگرم تحقیقات در زمینه ولایت است و در کنفرانسهای دیگر شرکت نمی کرد، با اطلاع از تشکیل کنفرانس اهل بیت گویا جان تازه ای گرفته و مجدداً در کمیسیونها شرکت و اظهار نظر می کرد و در این جلسه به بحث پیرامون وحدت اسلامی پرداخت و گفت: مفهوم وحدت اسلامی در عصر کنونی، اتحاد و اتفاق در امور اسلامی است که باید از سوی مسلمانان با جدیت تعقیب شود.

وی ملت مسلمان ایران را به هوشیاری در برابر نیرنگهای استعماری فراخواند و گفت: جهاد اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها، در راه تحقق وحدت اسلامی بوده، و این وحدت، جز با پایبندی بر احکام اسلام ممکن نخواهد بود و مبادا از خط اسلام و امام راجل، که به حق مجدد اسلام راستین در قرن حاضر بود، اندکی انحراف حاصل کنند.

سخنان آقای حاج سید احمد خمینی

آن گاه حجة الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی با تشکر از مقام معظم رهبری، آیه الله خامنه‌ای که چنین کنفرانسی را در راه وحدت اسلامی و حل مشکلات جهان اسلام و تشیع بنا داشته‌اند و نیز از کلیه دست‌اندرکاران، بحث مفصلی را در زمینه ویژگیهای مجتهد از دیدگاه امام خمینی رضوان الله علیه مطرح کرد که رؤوس مطالب آن از این قرار است:

مسئلاً فقه ما بر پایه روایات ائمه اطهار استوار است، هر چند کتاب و اجماع و عقل در خیلی از زمینه‌ها نقش مؤثری دارند. و فقیه کسی است که این روایات را بررسی و تعارض آنها را حل و حکم خدا را از آنها استنباط کند. و اکثر اختلاف فتاوی از همین جا نشأت می‌گیرد. البته اختلاف روایات، علل متعدّد دارد ولی یکی از عوامل آن، مظلومیت ائمه و عدم قدرت آنان بر بیان احکام واقعی بوده است. پس ناچار باید، کارشناس فقهی در کار باشد تا حقایق را بفهمد و آنان، علما هستند، که به همین دلیل مقام ولایی نزد مردم دارند که مبین نظرات ائمه اهل بیت می‌باشند. و اگر فقیه از آن کناره گیرد مسلماً به نظراتش نمی‌توان عمل کرد. بهتر رسیدن به نظر ائمه، مسأله اعلمیت را مطرح می‌کند و در تقلید شکل می‌گیرد.

فقیه باید برای دریافت نظر امام معصوم، تمام جهات را در نظر بگیرد، این جاست که شناخت اوضاع و احوال جهان و تأثیر آن در اجتهاد، معنا پیدا می‌کند. و زمان و مکان، جزء هسته مرکزی اجتهاد می‌گردد و تا کنون کسی از فقها به آنها اشاره نکرده است. زمان و مکان، در نظر امام امت، علت یا شرطی برای تحقق عنوان ثانوی نیست، بلکه این دو عنصر، با سایر شرایط و اجزاء، موضوع اجتهاد را تشکیل می‌دهد. و مجتهد را به حقیقت حکم الله می‌رساند که عنوان اولی است. به این عبارت حضرت امام توجه بفرمائید: (اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به «فقه سنتی و اجتهاد جواهری» هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک، صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام بویا نیست زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند مسأله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله است ولی در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدید پیدا کند....)

معظم له، ضمن برشمردن اوصاف و مزایای حضرت امام در قلمرو علمی و عملی و سیاسی، گفت: ما معتقدیم که نظام ما بر پایه اهداف و آرمانهای پیامبر و ائمه اطهار استوار گشته.... و تصمیم دارد فرموده آنان را، موبموا اجرا کند که البته ما هنوز با آن، فاصله داریم.

آن گاه از دشواریهای کار انقلاب و مبارزات شخصیت‌های بزرگوار: مطهری، بهشتی، شهدای محراب و دیگران یاد کرد و نیز از مبارزان صف شکن میدانهای نبرد و شهدای گرانقدر، تحلیل کرد و گفت: اینها همه در خط ائمه قدم بر می‌داشتند و از حضار محترم تقاضا کرد که با شجاعت از همان راه

آنان پیروی نمایند.

در پایان این جلسه، آیه‌الله امینی رئیس کنفرانس از کلیه میهمانان و شرکت کنندگان و سخنرانان و همه کسانی که به نحوی به کنفرانس کمک کرده‌اند تشکر کرد و توفیق همه را از خداوند متعال مسألت نمود.

خلاصه قننامه کنفرانس جهانی اهل البیت علیهم السلام

در جلسه پایانی کنفرانس، قننامه سمینار قرائت و مورد تصویب حاضران قرار گرفت قننامه که با نام خدا و آیه تطهیر آغاز شده بود با تأکید بر این که راه حل مشکلات بشریت در عصر حاضر، تنها اسلام است و اهل بیت پیغمبر (به دلیل شایستگی کامل علمی و اخلاقی ایشان که منشأ بزرگترین میراث علمی در زمینه فقه، تفسیر، اخلاق، عرفان و معارف اسلامی گردیده و این که آنان، با خط مشی خود، تجسم قرآند) عالیترین مرجع اسلامی در علم و جهاد می باشند.

و با توجه به وصیتنامه امام راحل، که در آن بر لزوم پیروی همه مسلمین از کتاب و عترت (ثقلین) تأکید شده است و با اشاره به امر ولی امر مسلمین حضرت آیه الله خامنه‌ای بر تشکیل این کنفرانس جهانی با اهداف یاد شده، بر امور ذیل تأکید نمود:

اولاً - با سقوط سیستم الحادی کمونیستی و قرار گرفتن نظام سرمایه داری در آستانه سقوط حتمی، مسلماً جهان، به سوی مکتب اسلام روی می آورد و با توجه به چهره روشن اسلامی که، قرآن برای بشر ترسیم و رسول اکرم (ص) به آن عملاً تحقق بخشیده و اهل بیت نیز آن را تحکیم کرده‌اند، کنفرانس از همه اندیشمندان مکتب اهل بیت، می خواهد تا راه‌های اسلامی را ارائه دهند و بشریت را از این تباهی ویرانگرها سازند.

ثانیاً - کنفرانس بر ضرورت گسترش مطالعات عمیق در ابعاد گوناگون اسلام، بر اساس مکتب اهل بیت و یافتن راه‌های حل مشکلات، در سطح کلیه مراکز دینی و دانشگاهها و حوزه‌های علمیه تأکید دارد.

ثالثاً - کنفرانس، بر این نکته تأکید دارد که این مطالعات، در تحکیم مفهوم وحدت اسلامی فراگیر، سهیم است. زیر مودت اهل بیت، اصل مسلم نزد همه مسلمین است و همین امر، ضرورت بهره‌گیری از نور هدایت آنان را برای همه مسلمانان در بر دارد.

در این راستا، کنفرانس، اندیشه تأسیس یک مرکز جهانی را برای تقریب بین مذاهب اسلامی و ایجاد تفاهم مشترک بین علمای اسلام، بر اساس اصول اسلامی، مورد تأکید قرار می دهد.

رابعاً - کنفرانس، حمله فرهنگی فریبکارانه و کافرانه غرب را به مقدسات اسلامی بشدت محکوم کرده، حکم امام راحل را در مورد سلمان رشدی مرتد، مورد تأیید قرار می دهد و مسلمین را به

حمایت و دفاع از مقدّسات خود دعوت می کند، و از همه کشورهای جهان می خواهد که با ایجاد ضمانت‌های قانونی، به احترام از مقدّسات ادیان آسمانی اهتمام ورزند .
 خامساً - کنفرانس، با اعتراف به رهبری حضرت امام و هدایت‌های او، با آیه الله خامنه‌ای به عنوان ولی امر مسلمین بیعت کرده، از همه نیروهای مخلص، دعوت می کند تا انقلاب را، با تمام نیرو مورد حمایت قرار دهند .

سادساً - کنفرانس، با تأکید بر این که استکبار جهانی با نشر فساد، آزادی ملت‌ها و کرامت انسان را از آنان، سلب می کند، شرکت کنندگان، ستمهایی که بر ملت‌های اسلامی فلسطین، لبنان، افغانستان، کشمیر و سایر مناطق می رود محکوم نموده و انزجار خود را از آن ستمگران اعلام می دارند . و همه مستضعفان را برای مطالبه حقوق از دست رفته خود دعوت و توجه جهان اسلام را به اقدامات رژیم‌های مرتجع علیه روحانیون و مردم آزاده، که به پیروی از استکبار جهانی انجام می گیرند، جلب می کنند .

سابعاً - مسأله فلسطین، مسأله اصلی جهان اسلام و همه مستضعفان است و صهیونیسم، خطری جدی برای اسلام و مستضعفان است. لذا کنفرانس، به قیام ملت فلسطین درود می فرستد و از مسلمانان می خواهد تا با خطر بزرگی که از مهاجرت یهودیان و اهداف پلید آن، ناشی می شود به مقابله برخیزند .

ثامناً - از آنجا که حج، یکی از عظیم‌ترین فرایض اسلامی است که روح عبودیت خدا و دوری از طاغوت را در انسان رشد می دهد و فرصت امنی برای همه مسلمین جهت اعلام برائت از مشرکان و مبلغان پرستش بنهای سنگی و بشری می باشد، و به دلیل تلاش رژیم حاکم بر حجاز در تحریف این فریضه بزرگ از اهداف خود، و منع زائران ایرانی از انجام حج واقعی، و اعمال فشار بر سایر حجاج، لهذا کنفرانس، این اقدامات تجاوزکارانه را محکوم و همه نیروهای مخلص را به اتخاذ مواضع لازم جهت مدیریت شایسته حرمین شریفین دعوت می کند .

تاسعاً - برای پیگیری اهداف و تلاشهای یاد شده، کنفرانس، تشکیل مجمع جهانی اهل بیت را تحت نظارت ولی امر مسلمین اعلام و همه افراد مخلص را جهت همکاری با آن دعوت می کند .
 واللّٰه ولیّ التّفیق

دیدار با رهبر انقلاب اسلامی

شرکت کنندگان در کنفرانس جهانی اهل‌البیت، در محل حسینیه امام خمینی با رهبر، دیدار و از بیانات معظم له بهره بردند. پس از قرائت کلام الله مجید و سرود وحدت، حجة الاسلام والمسلمین تسخیری، دبیر کنفرانس، گزارشی از کنفرانس و اتفاق نظر همه را بر لزوم تشکیل مجمع جهانی اهل

بیت زیر نظر مقام معظم رهبری به عرض رسانید .

آن گاه، رهبر انقلاب اسلامی، با خواندن و زمزمه کردن فرازهایی از زیارت جامعه در شأن اهل بیت و پس از بیان خطری که از ناحیه صهیونیستها اسلام را تهدید می کند و تقدیر از حرکت اسلامی فلسطینیان و اظهار اطمینان به این که سرانجام، اسلام، فلسطین را نجات خواهد داد تأکید کردند: که مسلمانان، برای دفاع از اسلام باید خود را نیرومند و قوی کنند و فرمودند: ما در نظام مقدسی که بر پایه دین و به دست فرزند پیامبر اکرم (ص) بنا نهاده شده، با تمام توان و نیروی ذاتی و ایمانی ملت خود، به سوی اقتدار واقعی و حقیقی اسلام به پیش خواهیم رفت و در این راه، به برخوردار شدن از کمک خداوند اطمینان داریم.

ایشان اظهار داشتند: نباید تصور کنیم که اهل بیت، تنها مخصوص و متعلق به ما است آنان مانند جد بزرگوارشان نبی اکرم، به اسلام و جهان بشریت و تاریخ تعلق دارند... و مسلمانان می توانند بر دو محور محبت به اهل بیت و آموزش احکام و معارف از زبان آنان، اتفاق نظر و اتحاد داشته باشند. این دو نقطه، فرصت عظیمی است که در اختیار مسلمین قرار دارد و با تکیه بر آن، مسلمانان وحدت پیدا می کنند.

... پیران اهل بیت، بخشی از امت بزرگ اسلام و جامعه مسلمین هستند و... و جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از تلاشهای خبیث دشمنان اسلام را خنثی کرده و امروز، پیروان همه مذاهب و فرق اسلامی در جهان، به نام جمهوری اسلامی شعار می دهند... امام عظیم الشأن ما، در دل توده های مسلمان، جای داشت و آنها بدون توجه به مذاهب مختلف خود، به او عشق می ورزیدند. و همین ارتباط الهی بود که دشمنان را به تلاش برای جدا کردن ایران اسلامی از بقیه مسلمانان واداشت.

... ما پیران اهل بیت با تمام وجود اعلام می کنیم که به وحدت جهان اسلام و معتقدان به توحید الهی و نبوت پیغمبر اکرم، اعتقاد داریم و می خواهیم مانند علی علیه السلام و دیگر ائمه معصومین که الگوی مبارزه علیه ظلم و عامل جذب و وحدت بودند، امروز، ما مایه وحدت باشیم.

مقام رهبری، تشکیل مجمع جهانی اهل بیت را برای خدمت به اسلام و قرآن، بسیار مفید دانستند و بر لزوم گسترش اخوت اسلامی تأکید کردند و گفتند: امروز، مجموعه اسلام از سوی دشمنان، در معرض تهدید است و اصل دین، تحت فشار استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا قرار دارد. زیرا آنها پی برده اند که با حاکمیت مذهب، و تعمق و گسترش معارف دینی، قادر به حفظ نظام بین المللی سلطه نخواهند بود لذا مبارزه شدیدا قدرتهای جهانی با ایران اسلامی، از انتشار ایمان، عمل و جهاد، از این کانون مرکزی اسلام ناشی می شود...

والحمد لله رب العالمین و سلام علی المرسلین

محمد واعظ زاده خراسانی